



اختصاصی باسدار اسلام

حضرت آیه الله مشکینی

قسمت نهم

سخاوت

خود نیز میگذرد .

نکته دوم : صفت سخاوت ضد صفت بخل است که از رذائل اخلاقی به شمار میرود. بخل از صفات حیوانی است و حیوانات نوعاً بر حسب غریزه و به طور طبیعی دارای صفت بخل می باشند .

حیوانات جز در موارد استثنائی همواره تلاش می کنند تا آنجا که می توانند غذا های مورد نیازشان را ذخیره و اندوخته کنند و تمام کوشش آنها خوردن و خوابیدن و استراحت است احساس دیگر خواهی بطور انتخابی و آگاهانه ندارند و در اندیشه بذل و سخاوت به هم منوع نیستند . چنین صفتی که از امتیازات تعقل و جمع گرایی انسان است، در آنان وجود ندارد. برای نمونه هیچگاه اتفاق نیفتاده است

پارهای از صفات والا و خوبهای نیکر ابر- شمردیم در این شماره یکی دیگر از صفات عالی انسانی یعنی صفت سخاوت را توضیح میدهم : پیش از بحث درباره این خصلت شریف انسانی و خوی والای روحی باید نکاتی مورد توجه قرار گیرد :

نکته اول : صفت سخاوت از ثنون تسلط بر نفس است، یعنی کسی که بر خویش تسلط دارد و قوه عاقله و خرد او بر نفس اماره و هواهایش حاکمیت و سلطه دارد، یکی از آثارش این است که در هر جایی لازم باشد اموال خود را بذل می کند و بدانجا می رسد که از جان

که مورچهها آنچه را که در لانه، خود گسره آورده اند در لحظه، حساسی به یکی از حیوانات مثلا به گنجشکها ببخشند .

در مقابل میدانیم فرشتگان که از بالاترین مخلوقات خداوند هستند درست عکس حیوانات تمام تلاش و کارشان برای دیگران است و تمام نعمتهائیکه از سوی خداوند متعال به جهانیان میرسد بوسیله فرشتگان انجام می گیرد هر چه در اختیار دارند به دیگران می بخشند . بنابر این حیوانات نمونه کامل صفت بخل و فرشتگان مظهر اتم و نمونه کامل صفت سخاوت هستند برتر از سخاوت جود است که از صفات کمالیه و جمالیه پروردگار متعال می باشد . در مورد خداوند واژه ' سخاوت به کار نرفته لیکن خداوند جواد است و همه نعمتها و بخششها را

او میدهد و خداوند وجود الوجودین و بخشنده ترین بخشندگان و از همه سخاوتمندان سخی تر است، در قرآن کریم آمده است .

”وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا“

مقیست به معنی نیروبخش است، آنچه را که موجودات از صفات ملکوتی و روحانی و مواهب طبیعی دارند همه را خداوند به آنها بخشیده است .

بنا بر این صفت سخاوت یکی از صفات الهی است و صفت بخل یکی از صفات حیوانی است. انسانیکه بخواهد صفت سخاوت را بدست آورد، نخست باید به پیرایش صفت حیوانی بخل از درون خود بپردازد و این پلییدی را از روح خود بزاید تا بتواند به اخلاق انسانی و ربیای سخاوت آراسته گردد و به پایه فرشتگان و بمقام ربوبی نزدیک گردد. انسان بهمان نسبت که با دستیابی به این خوی از حیوانیت فاصله می گیرد، بمقام ربوبی نزدیک میشود و در فضیلت و ستایش این خصلت همین بس که انسان را از حیوانیت بمقام فرشتگان و ربوبیت نزدیک می کند .

نکته سوم : ارزش سخاوت نه تنها اسلامی است که انسانی نیز هست و نه تنها اسلام سخاوت را خوب و زیبا میداند بلکه زیبایی و حسن این صفت از نظر عقل نیز بدیهی است. چه بسا شخصی که دارای مکتب و مذهب هم نیست، این صفت را دارا می باشد و آنرا ارزشمند و انسانی می شناسد .

این شخص در این بُعد دارای صفت کمال است، مگر چه از نظر اعتقادات و دیگر ابعاد ناقص است .

در روایت آمده است : گروهی از یمن به قصد جستجو و امتحان و تحقیق در بساره نبوت حضرت رسول (ص) به محضر آنحضرت آمدند . در میان این جمع فردی سخنور و پیر گوی بود که با جسارت و بی ادبی سئوالهایی بی در بی مطرح می کرد و در آنچه حضرت پاسخ میدادند، گستاخی مینمود بگونه ای که پیامبر (ص) خشمگین شد و در جهره اش خشم

ظاهر گشت و لحظاتی در اندیشه فرو رفت. در این هنگام جبرئیل امین، وحی فرود آورد و گفت :

خداوند سلام میرساند و میفرماید : این مرد بسیار سخاوتمند است .

سیمای پیامبر دیگر بار بحالت نخستین باز گشت و به آن شخص فرمود : اگر چنین نبود که جبرئیل از سخاوت تو بمن خبر داد ، تو را چنان تنبیه می کردم که برای دیگران مایسه عبرت باشد . آنمرد گفت : چون خدای تو سخاوت را می پسندد و دوست میدارد من هم بخدا و به رسالت تو ایمان می آورم ، سپس سوگند یاد کرد که تا کنون هیچگاه دست رد بر سینه نمازندی نزده ام . سرانجام همین خصلت نیک انسانی وسیله گرایش او به اسلام شد .

نکته چهارم : سخاوت مراتب و درجات دارد و هر یک از این مراتب و مراحل، قایل توجه و تفکر است ، و اسلام برای هر یک از آنها آثاری بیان کرده است . مراتب این خصلت از مال شروع میشود تا به مراحل بالاتر میرسد، همانند سخاوت در مقام و گذشت از راحتی ها و خوشی ها ، لذات دنیوی ، و سرانجام در درجه متعالی به سخاوت در جان و حیات میرسد که از تمام مراحل سخاوت بالاتر و والاتر است . بالاترین بخششها و جودها گذشتن از جان و حیات در راه معبود و معشوق و هدف است .

اسلام و سخاوت : در اسلام هفت سخاوت یکی از بهترین صفتها بحساب آمده و انسان سخاوتمند از برترین انسانها شمرده شده است . امام رضا (ع) در سخنی کوتاه ، سخاوت را چنین توصیف می کند :

”السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ النَّجَّةِ“
” قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ “ (۱)

انسان سخاوتمند به خدا نزدیک است و به بهشت و به مردم ، پس صفت سخاوت چنانکه ماه به قرب الهی است، عامل محبت مردم نیز میباشد و این چنین خصلتی به بهشت رهنمون میشود. حاتم طائی از مشهور ترین سخاوتمندان

جهان است که می توان گفت مظهر سخاوت و نمونه عالی بخشش بوده است ، در تمام مدت عمرش در بذل و بخشش هیچگاه دریغ نکرده است . و گاهی حتی خوراک روزانه خود را می بخشید و خویشتن با گرسنگی می گذراند . حاتم ، پیامبر گرامی را ندید ، اگر چند سالی در زمان نبوت حضرت ، زنده بوده است بی تردید به اسلام نگرائید و با کفر و عقائد جاهلیت از دنیا رفت .

فرزند او بنام عدی بن حاتم حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و اسلام آورد ، حضرت او را مورد عنایت خویش قرار داد . روزی پیامبر (ص) با او فرمود : خداوند عذاب جهنم را نسبت به پدیرت بخاطر سخاوتی که داشت تخفیف داد ، با عذاب را از او برداشت . در اینجا می بینیم با اینکه خداوند جهنم را جایگاه کافران قرار داده است :

”أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ“

لیکن جهنم هم مراتب دارد ، گاهی ممکن است یک صفت خوب پسندیده ، عذاب را کم کند و با اینکه عذاب بکلی برطرف شود ، چون جهنم جایگاه کفار است و می بایست یک کافر ضد دین در جهنم بماند، با این حال عذاب هم نمیشود . و به عبارت دیگر آنهایی که دارای صفات خوب بوده اند ولی بخدا و پیامبر ایمان نیاورده اند ، به جهنم میروند ، و اگر مورد رحمت و الطاف الهی قرار گرفتند ، در جهنم عذاب نمی شوند .

گاهی همین رحمت الهی در دنیای نیز شامل حال اینچنین افراد میشود . نوشته اند : سامری پلید با آن همه جنایت و خیانت که کرد ، و برای هواپرستی و جاه طلبی مردم را منحرف کرد ، و به پرستش گوساله فرا خواند ، با این حال هنگامی که حضرت موسی (ع) خواست او را کفر و این مفسد را اعدام کند ، جبرئیل نازل شد و از حضرت موسی خواست که در مجازات او یکدرجه تخفیف دهد ، زیرا که او مرد سخاوتمندی بود . از این روح حضرت موسی او را رها کرد و فرمود :

"فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ"

"أَنْ تَقُولَ لَأِمْسَسَ" (۲)

از مجازات تو چشم پوشیدم ، اما در زندگی با هیچ کس نمی توانی تماس بگیری ، و اگر خواستی با کسی حرف بزنی چنان ناراحت شوی که خودت از او درخواست کنی که دور شود ، و همینطور شد .

امامان ما در این صفت به کمال نهائی رسیده بودند ، با رفتارشان بما آموختند که یبچنین باشیم . در روایات آمده است : که مردی خدمت حضرت امیرالمؤمنین (ع) رسید ، حضرت از چهره اش دریافتند که نیازمند است و شرم دارد که آشکار کند . امام از او خواست که خواستش را روی زمین بنویسد (زیرا در آنوقت وسائل نوشتن مثل امروز نبوده است) آن مرد با انگشت یا با چوب روی زمین هموار نوشت ، حضرت از نوشتن او دریافتند که هم نیازمند است و هم انسان باسواد داناشی است . امام (ع) دستور داد : دولباس متناسب و صد دینار بول به او بدهند . گویا بعضی از یاران خواستند بدانند ، چرا حضرت این اندازه سخاوتمندانه با او رفتار کرد ؟ امام در پاسخ آنان فرمود : پیامبر دستور داد هر انسانی را در جایگاه خود بشناسید و با هر انسانی متناسب با شخصیت و نیازش رفتار کنید . سپس حضرت امیر المؤمنین (ع) فرمود :

"إِنِّي لَا عَجَبَ مِمَّنْ يَشْتَرِي الْعَبِيدَ"

"كَيْفَ لَا يَشْتَرِي الْأَحْرَارَ بِمَعْرُوفِهِ"

من تعجب می کنم از کسانی که پول میدهند و برده میخرند چگونه مردم آزاده را با نیکی و احسان خریداری نمی کنند .

فرزدق در آن اشعار مشهوریکه در ستایش حضرت سجاد علیه السلام سرودهاست میگوید :

"مَا قَالَ لِأَقْطُلُ إِلَّا فِي تَشْهِيدِهِ"

"لَوْلَا التَّشْهِيدُ كَانَتْ لَأَوْه نَعْمَ"

امام سجاد (ع) کسی است که در تمام عمرش (نه) به کسی نگفتاست و اگر نبود که در تشهد نماز لا میگوید در منطق این شخص

بالاترین بخشش ها گذشتن از جان در راه معبود و معشوق

است .

لا پیدا نمیشد ، در این بیت فرزدق از خوی سخاوت بعنوان یکی از صفات کمالی امام سجاد (ع) یاد میکند .

کوتاه سخن اینکه : اگر کسی دارای این صفت زیبای انسانی باشد ، باید خدا را سپاسگزارد که یکی از ابعاد انسانی او به مرز تکامل رسیده است و همواره بگوشد این صفت را در خودش بیشتر کند و تکامل بخشد .

اقسام سخاوت

سخاوت بر دو قسم است :

۱- واجب .

۲- مستحب .

سخاوت واجب در مواردی است که انسان

انسان سخاوتمند

به خدا

نزديك است

باید از مال و جان بگذرد ، مثلا زکات مال ، انسان باید در نه چیز حقوق الهی را بپردازد و همچنین بیست در صد از درآمد که بعنوان خمس واجب شده است . همچنین انفاق واجب است که پرداخت مخارج پدر و مادر و همسر فرزندان را در بر میگیرد ، حج نیز کدر تمام عمر یکبار واجب است ، کفارات واجب نیز از موارد سخاوت واجب است .

جهاد نیز از مواردی است که انسان باید از جان بگذرد " این عالیترین درجه سخاوت است که از اصل هستی و حیات مایه بگذارد چون انسان هر چه را ببخشد از عوارض و فروغ حیات است ، اما جهاد و شهادت گذشتن از اصل زندگی این دنیائی است ، و این بالاترین پایگاه انسانی و خصلت خدائی جود و سخاوت است . "

سخاوتهای و بخششهای دیگری در رابطه با جان و مقام و مال نیز هست که در اینجا نتوان بر شمرده شدن نیست .

سخاوتهای مستحب فراوانست و مرز و حدود مشخصی ندارد . انسان هر اندازه از اموالش را پس از پرداخت مالیاتهای واجب در راه خدا بدهد ، و انفاق کند از سخاوتهای مستحب شمرده میشود . و بدانجا میرسد که انسان از خود دریغ می کند و بدیگران می بخشد و این ایثار است و عالی ترین پایه احساس دیگرخواهی انسان است .

امامان ما به مقام ایثار رسیده بودند . " یوترون علی انفسهم و لوکان " " بهم خصاصه "

دیگران را بر خویشتر بر میگزینند گر چه خود نیاز داشته باشند .

ادامه دارد

۱ - سفینه البحار ج ۲ ص ۶۰۷

۱ - سوره طه آیه ۹۷ .